

عمل نمودند ایا باید محصلی که از مدرسه خارج میشوند بیکار باشند و دل خود را فقط باین خوش کنند که یک روز ایران آباد میشود! بلی ایراد جناب حاجی صحیح است ولی چون مقاله قدری مطول شد جواب را موکول بشماره ماه آینده مینمائیم .  
بقیه دارد

## ائین بهی

بر کسانی که اندک اطلاعی از فلسفه ادیان داشته و قدری در مسائل اخلاقی، و ماوراء الطبیعه عمیق شده و علت بعثت و ظهور انبیا را تا اندازه دانسته اند بوشیده نیست که دین بهی یکی از بهترین ادیاتی است که تا کنون در دنیا پیدا شده و شمت و خشور پاك اشو زردشت یکی از بزرگترین پیغمبرانی بوده که از جانب پروردگار عالم براهنائی خلق در صراط المستقیم تهذیب اخلاق و تزکیه نفس مبعوث گردیده است. افسوس، صد افسوس که این آفتاب عالم افروز یعنی حقیقت این دین مبین مدتها در زیر ابرهای جهل و نادانی پنهان گردید و هر کس بظن خود تصور بیجائی در حق پیروان با وفای آن ائین پاك نمود. ولی از آنجا که هر چیزی را انتهای است و میبایست یک روز آفتاب حقیقت از زیر این تیره ابرها بیرون آید در این دور خردمندان و فیلسوفان مغرب زمین پس از تفحصات و کنجکاویهای بیشمار دانستند که حقیقت آن ائین پاك بقدری بلند

است که عقل سلیم هم در شرحش حیران و عاجز است. اختراعات و اکتشافات جدید و پی بردن بر بعضی قوای مخفی که اسرار طبیعت است پرده از روی کار برداشت و شاهد غیبی حقیقت مزدیسی بر صاحبان حرد اشکار گشت و هر کسی بقدر عقل و فهم خویش دانست که پایه اساس کاخ بلندی که اشو زردشت بانی آن بوره بقدری محکم است که بهیچ حادثه و در هیچ دور و زمانی محو نخواهد شد چه، موافق است با قوانین طبیعت و اراده ذات حق جل و علا اری زردشت هفت یا ده قرن قبل از میلاد دار فانی را بدرود گفته بگلشن خلد خرامید و کشور ایران از آن روز تا بحال هزاران خوشیها و ناخوشیها عزت‌ها و ذلت‌ها دید، سلطنتها تغییر کرد، اقوام مختلفه بر آن ملک هجوم آورده جویهای خون جاری گشت، تقریباً تمام کتب قدیم ایرانیان دستخوش حوادث ایام گشت، ولی تمام این تغییرات و تبدیلات و کلیه این حوادث و اوضاع نتوانست چراغ حقیقت را خاموش کند و امروز پس از چندین هزار سال از صعود حضرت زردشت به جنت جاویدان بسیاری از داناان عالم و خردمندان روزگار پرانه وار بدور این شمع حقیقت گردیده از همین جزوهای مختصری که از کتاب مقدسش باقی مانده هزاران راز درک میکنند. ولی ما ایرانیان در عوض اینکه افتخار نمائیم که در ایران چنین پیامبر پاکی ظهور کرده و در صدد آن باشیم که حقیقت عالی آن دین را درک نمائیم و صدها جلد کتاب و رسالات در اینخصوص بنگاریم پنبه غفلت محکم بگوش گذاشته آنچه ناصحین بیغرض و اهل علم و کمال میگویند نمیخواهیم اصفا کنیم! آیا برای یکنفر ایرانی ننگ نیست

که از تاریخ فرانسه و مثلاً جزئیات اخلاق لوئی چهاردهم بخوبی آگاه ولی از بانی کاخ بلند آئین مزدیسنی و کیش پاک‌نیاکان خود بکلی بی‌اطلاع باشد؟ پس امروز بر عموم ایرانیان زن و مرد و مخصوصاً آنانکه در مدارس تحصیل میکنند واجب و لازم است که اصول و اساس آئین بهی را بدانند و بیش از این از حقیقت دین نیاکان باشان و شوکت خود که کوس تمدن در عالم کوفتند بی‌خبر نباشند.

مادر مجله «رستاخیز» چند مقاله راجع به تاریخ حیات حضرت زردشت نگاشتیم ولی متأسفانه بانها نرسید اینک در این مجله در نظر داریم قدری از فلسفه «آئین پاک بهی» سخن رانیم و تا یک اندازه خوانندگان محترم را از حقیقت این دین آگاه سازیم.

نگارنده امیدوار است که عموم نویسندگان ماهر ایران در این خصوص کوتاهی نکنند و هر کدام بقدر معلومات خود بدون غرض در فلسفه این کیش که امروز نظراً اهل عالم را بطرف خود جلب نموده کتابها نگارند که بدترین ننگ برای یکتنفر ایرانی ندانستن این قبیل مسائل است. بنوبت خود ما هم کتاب مطولی خواهیم نگاشت و آنچه بر علمای عالم در اینخصوص تا حال کشف شده برشته قلم در خواهیم آورد. در این مجله فقط میخواهیم از آن دریای بی‌پایان چند قطره به تشنگان و جویندگان آب حیات بچشانیم.

یکی از دانشمندان انگلیسی «کاپادیا» رساله «زیبای مختصری موسوم به «آئین زردشت و فلسفه مذهب پارسی» طبع نموده که حقیقه دارای بسی مطالب سودمند و ارجمند و حقایق بلند و دلپسنداست. متأسفانه این رساله نهایت مختصر است بقسمی که میتوان

گفت مؤلف دانشمند آن عمیق نشده و موشکافی نفرموده است .  
 گویا فقط خیال ان علامه عالیقدر این بوده که بعضی از آیات اوستا را  
 بر تیب مخصوصی راجع به طهارت ، قیامت ، تربیت ، ایمان و غیره و غیره  
 در یکجا جمع نماید که مجموعه مفیدی باشد  
 چون این کتاب برای مبتدیان و اشخاصی که هنوز به مطالب  
 فلسفی و بحث های عمیق عادت نکرده اند بسی مفید است ما ترجمه  
 بعضی آیات که در اینجا مذکور است ابتدا نموده بعد به اصل موضوع  
 و فلسفه آن آئین پاک خواهیم پرداخت .

\*\*\*

### طهارت

پس از حیات طهارت برای انسان بزرگترین خوبی است و بموجب  
 شریعت مزدا طهارت نصیب کسی است که خود را به افکار ، گفتار  
 و کردار نیک پاک و طاهر نماید .  
 هان ای مرد پرهیزکار خود را طاهر نمای ! هر کس که در این دنیا  
 است میتواند طهارت را کسب نماید هر وقت که به افکار خوب ،  
 گفتار خوب و کردار خوب خود را تطهیر کند

نماز « اشم وهو » از خرده اوستا

طهارت بهترین خوبی است . خوشا ، خوشا بسعادت انکسی که  
 در طهارت از همه طاهر تر است .

### شریعت اهور مزدا

شریعت اهور مزده مؤمن را از هر فکر و گفتار و کردار بدی  
 طاهر می نماید چنانچه تند باد سخت دشت را پاک میکند .

در اینجا تمام اعمال خود را نیک گردان . . . . گناه تو بوسیله  
این مزدا کاملاً کفاره میشود .

### احکام راجع به جسم و روح

حکیم طالیقدر از « روح حکمت » چنین پرسید :  
چطور میتوان جسم را بدون صدمه بروح نگهداری و شاداب  
نمود و روح را هم بدون صدمه بجسم محافظت کرد ؟  
« روح حکمت » چنین جواب داد : کسیکه از تو کمتر است با  
خود برابر شمار ، و برابر خود را بزرگتر از خود دان ، و بزرگتر  
از او را رئیس شمار و رئیس را حکمران بنماید . مابین حکمرانان  
بایست نیک محضر ، مطیع و راستگو بود و میان متهمین لازم است  
متواضع ، ملایم و خوش نفس باشی .  
« اقرا میند تاشر و رسوائی نصیب تو نگردد چه گفته اند  
اقرا بدتر از جادو است .

ارزوی طمأنانه مکن تا دیو طمع تو را تفریبد و گنج عالم بکام تو  
بیمزه ( تلخ ) نشود .  
خود را در غضب مینفکن چون هر وقت انسان خود را بغضب  
افکند تکالیف و اعمال نیک را فراموش میکنند . . . . و هر قسم  
گناه و جنایتی از خاطرش خطور مینماید و تا غضب باقی است گفته  
اند درست مانند اهریمن است .

هم و قلق بخود راه مده چون کسیکه مهموم و مغموم است نسبت به  
لذتهای مادی و معنوی بیقید گردیده قبض جسمانی و روحانی او را فرا گیرد .  
عمل نامشروع « شهوانی » مرتکب مشو تا صدمه و ندامت از  
ان عمل نصیبت نگردد .

رشك بیجا مبر تا زندگانیت تلخ « بیمزه » نشود .  
 تنبلی پیشه خود مکن تا تکلیف و عمل خیری که انجامش بر تو  
 لازم است نا کرده نماند .  
 زن خلیق اختیار نمای زیرا خوب آن است که در عاقبت احترامش  
 بیشتر است « باقی است »  
 بایست ساعی و معتدل باشی ، از کسب منظم خود نان بخوری  
 و سهم موجودات مقدس را فراهم نمائی . هر ائینه اقدام باین کار  
 بزرگترین عمل خیر است .  
 بادشمنان بانصاف بچنگ . در حق دوست معامله دوستانرا نمای .  
 با بدجنس داخل در مجادله مشو و او را هیچ طریق ازار مده .  
 طماع را شریک خود منماید و به پیشوائی او اعتماد مکن . با بدنام  
 معاشرت منماید . ادم جاهل را معاهد و شریک خود قرار مده با احق  
 نزاع مکن . با مست در کوچه راه مرو . از بدخلق قرض مستان .  
 در ذخیره نمودن اعمال نیک سناعی باش تا در میان ارواح ان  
 ذخیره بمساعدت تو آید . *رتال جامع علوم انسانی*  
 از کثرت گنج و ثروت مغرور مشو چون در عاقبت لازم آید که  
 همه را ترك کنی -  
 بشهرت عظیم و نژاد خود غره مباش که آنچه در عاقبت اعتماد بر  
 ان توانی کرد اعمال تو است .  
 بزندگان خود مناز که آخر مرك در پی است و جزو فانی تو  
 بزمین خواهد افتاد .